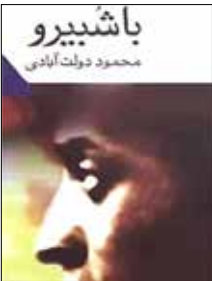


یک پایان تلخ و تراژدی



رامین جهان پور – «باشبیرو» نام داستان بلندی از نویسنده توانمند معاصر محمود دولت‌آبادی است که وقایع آن در یکی از بنادر جنوبی کشور می‌گذرد. محمود دولت‌آبادی اگر چه خود فرزند کویر و خراسان است، اما در سفرهایی که در جوانی به بنادر جنوبی ایران داشته طی مدت‌ها صحبت و یادداشت‌برداری با صیادان و جاشوهای بندر عاقبت دست به قلم می‌شود و بعد از سه‌سال کار کردن روی این داستان بلند بالاخره آن را دست‌ناشر می‌سپارد. دولت‌آبادی این داستان را به قول خودش در روزگاری نوشته که مکانی درست‌وحسابی در تهران برای نوشتن نداشت و بیشتر داستان‌هایش را در قهوه‌خانه‌ها می‌نوشت. «باشبیرو» به نقل از صاحب‌نظران بعد از رمان بلند «کلیدر» یکی از برجسته‌ترین و ماندگارترین داستان‌های او به‌شمار می‌آید که علاوه‌بر داشتن پیرنگی قوی و قابل لمس از نثری آهنگین و زیبا بر خوردار است که در عین سادگی و روان بودن، سرشار از توصیفات زیبای اقلیمی از زندگی مردمان شهرهای بندری ماست، «باشبیرو» را دولت‌آبادی در سال ۱۳۵۱ می‌نویسد؛ زمانی که در نوشتن قلمش به پختگی رسیده بود و وجودش پر از خلافت و عشق به نوشتن بود. در واقع با داستان «باشبیرو» جامعه‌ادی ما با نویسنده‌ای مواجه می‌شود که صاحب سبک و قریحه خاص منحصر‌به‌فرد خودش است بی‌آنکه از نثری دیگر تقلید یا کمک گرفته باشد و درست یک‌سال بعد به‌خاطر این کتاب، کانون نویسندگان ایران به‌عنوان برجسته‌ترین داستان سال از دولت‌آبادی تقدیر به‌عمل می‌آورد. خودش گفته است که این داستان را بارها بازنویسی کرده است. این کتاب بعد از گذشت سال‌ها هنوز خواننده دارد و هرازچندگاهی تجدید چاپ می‌شود. اگر کسی دولت‌آبادی را نشناسد هیچ‌وقت نمی‌تواند تصورش را هم بکند که او فرزند بندر یا جنوب کشور نیست، چون قلم توانای او با ظرافت خاصی گوشه‌هایی از زندگی مردم بنادر جنوب کشور را به روی کاغذ آورده است. داستان «باشبیرو» از چند شخصیت اصلی تشکیل شده که یکی از آن‌ها شخصی به نام «شبیرو» است؛ مجنونی که هرشب کنار دریا می‌نشیند و به امواج دریا چشم می‌دوزد تا شاید معشوقه‌اش را که زمانی در دریا غرق شده دوباره بیابد. شخصیت مجوری دیگر داستان زنی به نام «حله» است که ماجرای داستان بر محوریت او و همسرش «خدو» می‌چرخد. در این کتاب نویسنده به مسائل و مشکلاتی که زنان در جامعه سنتی ایران با آن دست‌به‌گریباندند، می‌پردازد و همچنین به چالش‌هایی همچون محدودیت‌های اجتماعی و تبعیض جنسیتی که هنوز هم در جامعه ایرانی رواج دارد. «حله» شخصیت اول این داستان در واقع نماینده تمام زنان جامعه سنتی ایران است که هنوز در برزخ تعصبات مردانه و نامردمی‌های زمانه به احقاق خود نرسیده‌اند. در این داستان «حله» که فردی درس‌خوانده و باسواد هم هست، بعد از جدایی از همسر قاچاقچی و خلافکارش، بیوه می‌شود و بعد از آشناشدن با یک معلم مبارز و روشنفکر که در ده‌پنجاه تحت تأثیر گروه چپ و از مبارزان حکومت پهلوی است، ازدواج می‌کند. اما با دستگیری و به زندان رفتن «خدو» باردیگر بی‌پناهی و دربه‌دری نصیبش می‌شود و این درحالی است که او مورد خشم و غضب برادر بزرگترش که شخصی با افکاری سنتی و متعصب است به اسم «جاسم»، قرار دارد. بالاخره فقر و فشار اقتصادی زندگی و تنهایی و ناامیدی بسر او غلبه می‌کند و در آخر با یک تصمیم تلخ و تراژدی خود را به دریا می‌سپارد. در آخر داستان هنگامی که جسد «حله» پیدا می‌شود، این شبیروی مجنون است که فکر می‌کند به آرزویش رسیده و بالاخره دریا معشوقه‌اش را به او پس داده است. با خواندن این داستان بلند مخاطب بی‌آنکه بخواهد، خود را در یکی از بنادر جنوبی کشور در میان بلم‌ها و جاشوها و هوای شرجی آنجا احساس می‌کند و هم‌صدای آواز پرندگان دریایی و صیادان و دریانوردان جنوبی می‌شود. در قسمت‌هایی از داستان این گونه می‌خوانیم: «حله چمدان غبار گرفته‌اش را از میان دست‌های بلند و لغت و سیاه حمزه، شاکر دشو فر خط بندر تحویل گرفت، چادرش را روی سرش صاف کرد و بی‌آنکه نگاه از زمین بردارد و احیانا صورت خودی یا بیگانه‌ای را ببیند، از در گاراژ بیرون رفت. در چند قدمی به کوچه‌ای پیچید و راه خود را در میان کوچه‌پس‌کوچه‌های شهری که در آن چشمش باز کرده بود و قدم برداشتن و نگاه کردن و حرف زدن و مدرسه رفتن را آموخته بود، ادامه داد...

گروه فرهنگ دریایی – سهیل مرتضوی – درحالی‌که تصاویر منتشرشده از هرمز در روزهای پس از تعطیلات سال جدید نشان می‌دهد که مسافران نوروزی این جزیره، در خلال سفر به هرمز خاک نقره‌ای این جزیره را همراه با خودشان برده‌اند و به آکوسیستم چندهزار ساله سواحل هرمز آسیب جدی زده‌اند، حالا محمد بنده، بخشدار هرمز در گفت‌وگویی ادعای غارت خاک هرمز را کذب می‌داند و به صراحت می‌گوید: «غارت خاک هرمز حرف کذب است. گفته‌اند که با ماشین آلات خاک را برده‌اند درحالی‌که ما تاکنون چنین چیزی را در هرمز مشاهده نکرده‌ایم. مسئله خاک بردن مسافران هم آنقدر جدی نیست».

به گزارش روزنامه دریایی اقتصاد سرآمد، جزیره هرمز که به واسطه خاک‌های سرخ، نقره‌ای و رنگارنگ خود یکی از شگفتی‌های زمین‌شناسی ایران به‌شمار می‌رود، سال‌هاست قربانی تخریب‌های پنهان و مکرر شده است؛ خاک‌هایی که حاصل میلیون‌ها سال فعل و انفعالات طبیعی‌اند، حالا با سرعتی نگران‌کننده از بستر جزیره جدا شده و به دست سودجویان و ناآگاهان، به نابودی نزدیک شده‌اند.

خاک‌های رنگی هرمز نه‌فقط جلوه‌ای بصری و جاذبه‌ای گردشگری‌اند، بلکه ارزش زمین‌شناسی و بوم‌شناسی بالایی دارند. به گفته کارشناسان، شکل‌گیری لایه‌هایی از خاک سرخ و نقره‌ای در این جزیره، صدها هزار سال زمان برده و جزئی از هویت زیست‌محیطی، بومی و حتی اقتصادی جزیره محسوب می‌شود. خاک‌های سرخ غنی از اکسید آهن‌اند و در صنایع مختلف از رنگ‌سازی تا آرایشی به‌کار گرفته می‌شوند، اما مشکل زمانی آغاز شد که این خاک‌ها، به جای بهره‌برداری اصولی و کنترل‌شده، به‌صورت بی‌رویه و گاه مخفیانه، از بستر جزیره خارج شدند.

حرف بخشدار هرمز چیست؟

محمد بنده، بخشدار هرمز درباره ارزش مادی خاک هرمز در گفت‌وگویی با «انتخاب» گفته است: هرمز ۶۰۰میلیون سال پیش از طریق آتشفشان‌ها به‌وجود آمده، دوباره پایین رفته و سپس پدیدار شده است. هرمز در اصل دوبار تشکیل شده است. خاک هرمز نیز ارزش مادی یا صنعتی ندارد. این خاک فقط در محل خودش قشنگ است.

وی درباره ادعای خروج خاک هرمز بیان کرد: غارت خاک هرمز حرف کذب است. گفته‌اند که با ماشین آلات خاک را برده‌اند درحالی‌که ما تاکنون چنین چیزی را در هرمز مشاهده نکرده‌ایم. مسئله‌ی خاک بردن مسافران هم آنقدر جدی نیست. عمدتاً خاک را با بطری آب‌معدنی جابه‌جا می‌کنند و مردم می‌بینند که این خاک برده شده است. اگر چه تمامی مسافران با این بطری‌ها خاک ببرند، اینقدر نیست که خاک تمام شود.

بخشدار هرمز همچنین در رابطه با رقابت با هرمز اظهار داشت: موضوع اصلی مافیایی است که نمی‌خواهد گردشگری در هرمز رونق بگیرد. الان هرمز قطب گردشگری است. همسایه‌های داخلی و همسایه‌های بیرونی کشور در حاشیه خلیج‌فارس دشمن این اتفاق هستند. کشورهای حاشیه خلیج تحت تأثیر گردشگری هرمز قرار گرفته‌اند. الان هرکسی به جنوب کشور می‌آید، به هرمز هم سری می‌زند و برای عده زیادی مقصد اصلی



شده است. این مافیا احساس می‌کند هرمز رقیب‌شان است. برخی بلاگرها نیز با شایعه‌پراکنی نسبت به هرمز، در حال قربانی کردن این جزیره هستند تا از تعداد مسافران کم شود.

نگاهی به خاک‌زدی و فراتر از آن
پدیده‌ای که فعالان محیط‌زیست از آن بسا عنوان «خاک‌زدی» یاد می‌کنند، سال‌هاست در هرمز جریان دارد. از گردشگرانی که برای یادگاری خاک با خود می‌برند گرفته تا افرادی که در پوشش تور گردشگری، دست به برداشت گسترده خاک می‌زنند. در برخی گزارش‌ها، مواردی از انتقال خاک با وانت و حتی کامیون ثبت شده است. این در حالی است که هیچ نظارت مؤثری بر ورود و خروج خاک از جزیره وجود نیست و بازرسی‌ها، محدود و اغلب موسمی‌اند.

موضوع قاچاق خاک از هرمز سابقه‌ای نزدیک به دوده دارد. از سال ۱۳۸۳، شایعاتی درباره انتقال غیرقانونی خاک به کشورهای حاشیه خلیج‌فارس مطرح شد که ابتدا از سوی مقامات رد شد، اما در سال‌های بعد، مسئولانی مانند پرویز فرشچی، معاون وقت سازمان محیط‌زیست و معصومه ابتکار، رئیس وقت این سازمان درباره خروج خاک از کشور هشدار دادند. طبق برخی گزارش‌ها، خریداران عمده خاک هرمز کشورهای غربی منطقه –به‌ویژه قطر و امارات– بوده‌اند. سخنگوی وقت کمیسیون کشاورزی مجلس در سال ۱۳۹۲ نیز از شواهد قاچاق خاک از بوشهر و هرمزگان سخن گفت.

با وجود آنکه برداشت خاک طبق طرح جامع جزیره هرمز ممنوع اعلام شده، مجوزهایی از سوی نهادهایی مانند وزارت صنعت و معدن همچنان صادر می‌شود. این در حالی است که سازمان حفاظت محیط‌زیست اعلام کرده که در صدور این مجوزها نقشی نداشته است. با وجود آنکه برداشت خاک از هرمز طبق قانون حفاظت از خاک از سال ۱۳۹۷ ممنوع شده، این تجارت همچنان به‌صورت غیرقانونی ادامه دارد. همچنین یک بررسی ساده نشان می‌دهد که در وبسایت‌های معتبر خرید و فروش آنلاین، خاک هرمز با قیمت‌هایی متنوع عرضه می‌شود. از طرف دیگر، در شبکه‌های اجتماعی، به‌ویژه اینستاگرام، خاک هرمز در قالب ساعت‌های شنی، سوغات، یا بسته‌های تزئینی عرضه می‌شود. برخی فروشندگان، خاک جعلی را به جای خاک اصلی می‌فروشند که نشان‌دهنده سودجویی گسترده در این بازار است. این تجارت حتی پای گردشگران را هم به میان کشیده؛ در نوروز ۱۴۰۴، گزارش‌هایی از برداشت خاک توسط مسافران منتشر شد که نگرانی فعالان محیط‌زیست را برانگیخت.

تبعات بلندمدت تخریب خاک

خاک هرمز نتیجه میلیون‌ها سال فرآیند زمین‌شناختی است و برداشت حتی مقدار کمی از آن، پیامدهای ویرانگری همچون تخریب زیستگاه‌های طبیعی خاک‌های رنگی هرمز، زیستگاه گیاهان، جانوران ساحلی و میکروارگانیسم‌ها را به دنبال خواهد داشت. خاک‌های رنگارنگ اصلی‌ترین جاذبه هرمز هستند و نابودی آن‌ها به معنای پایان گردشگری در این جزیره است. تخریب خاک تنها یک زیان زیبایی‌شناختی نیست. این

«روزنامه سرآمد» از اظهارات عجیب بخشدار هرمز گزارش می‌دهد؛

با شایعه‌پراکنی جزیره هرمز قربانی می‌شود؟

تخریب خاک هرمز برای بخشدار هرمز مهم نیست!

راه‌نجات هرمز چیست؟

تجربه کشورهای دیگر نشان می‌دهد که حفاظت از خاک جزایر موضوعی جدی در سیاست‌های محیط‌زیستی جهانی است. در ایتالیا، برداشت شن‌های رنگی از سواحل ساردینیا ممنوع است و برای آن جریمه‌هایی سنگینی در نظر گرفته شده است. در استرالیا نیز طبق قانون حفاظت از تنوع‌زیستی، برداشت خاک از جزایر مرجانی غیرقانونی است. مالدیو، فیجی و یونان هم با تدوین قوانین سخت‌گیرانه و آموزش گردشگران، از منابع طبیعی‌شان محافظت می‌کنند. فعالان محیط‌زیست ایران هشدار داده‌اند که خاک جزیره هرمز، به‌ویژه خاک نقره‌ای، غیرقابل بازتولید است. ادامه روند برداشت غیرقانونی می‌تواند زیبایی‌های طبیعی و میراث فرهنگی این جزیره را برای همیشه از بین ببرد.

بی‌شک باید قبل از تبلیغ برای جذب گردشگر در هر منطقه علاوه‌بر در نظر گرفتن ماکن اقامتی و تامین زیرساخت، فرهنگ‌سازی مناسبی هم صورت گیرد تا این‌گونه آثار طبیعی و جاذبه‌های گردشگری به ورطه نابودی کشانده نشوند. شاید اگر مسوولان محلی اجازه اجرای طرح حفاظت از جزیره هرمز را می‌دادند یا لاقفل ناظرانی در منطقه مستقر می‌شدند، خاک ارزشمند جزیره به توره کشیده نمی‌شد و دیگر نیاز به برگزاری پوشش‌هایی برای بازگرداندن خاک به منطقه و ایجاد دردسری تازه برای متولیان محیط‌زیست نمی‌شد. حفاظت از جزیره هرمز، این موزه طبیعی زمین‌شناسی نیازمند عزم ملی، مشارکت مردم محلی و پاسخگوی مسئولان است. اگر امروز چاره‌اندیشی نشود، فردا دیر خواهد بود.

زنگ خطری برای جزیره هنگام

پدیده غارت خاک صرفاً مختص جزیره هرمز نیست و نگرانی‌هایی درباره تکرار آن در سایر جزایر خلیج‌فارس نیز وجود دارد. برای مثال جزیره هنگام در نزدیکی قشم که به سواحل نقره‌فام و دلفین‌هایش مشهور است، خاک‌های رنگی مخصوص به خود دارد. در این جزیره کوه‌ها و خاک‌های سرخ‌رنگی یافت می‌شوند که در زبان محلی به «گلک» معروف‌اند. اگرچه شهرت اصلی خاک‌های رنگی (و حتی خوراکی) متعلق به جزیره هرمز است، اما در جزیره هنگام نیز لایه‌هایی از خاک سرخ و ترکیبات معدنی وجود دارد که بخش ارزشمند طبیعت آن به‌شمار می‌روند. در سال‌های اخیر گزارش‌هایی از آسیب دیدن ساحل نقره‌ای هنگام به دلیل برداشت بی‌رویه شن‌ها توسط بازدیدکنندگان منتشر شده است. گردشگران ناآگاه با پر کردن شیشه‌های کوچک از شن نقره‌ای به تدریج این ساحل را نیز تهدید می‌کنند. نبود نظارت کافی و فروش آزادانه منابع طبیعی، اگر کنترل نشود می‌تواند در سایر جزایر نیز تکرار شود. در جزیره قشم و لارک هم پیشتر برخی سودجویان اقدام به برداشت غیرمجاز شن‌های ساحلی و خاک کرده بودند که با ورود مقامات محلی متوقف شد. تجربه هرمز زنگ خطری است که نشان می‌دهد باید برای تمامی مناطق حساس مقررات جدی وضع و اجرا شود. جزایری مانند هنگام که به لحاظ وسعت کوچک و از نظر منابع محدود هستند، حتی بیش از هرمز نیازمند مراقبت و پایش‌اند. در غیر این صورت، ممکن است ظرف چندسال جلوه‌های طبیعی بی‌مانند خود را از دست بدهند و میراث زمین‌شناسی هزاران ساله‌شان در برابر چشمان ما نابود شود.

بدون شرح

قاب‌دوربین



عکس: اصغر بشارتی